



سَفِينَةُ الطُّلَّابِ

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

أَبْحَاثٌ : پژوهش‌ها

«مفرد : بَحْثٌ»

اِحْتَرَقَ : آتش گرفت

(مضارع : يَحْتَرِقُ)

أَدَاءٌ : به جا آوردن، انجام دادن

إِذْ : آن گاه

أَصَابَ : برخورد کرد

(مضارع : يُصِيبُ)

أَفْرِقَهُ : تیم‌ها، گروه‌ها

«مفرد : فَرِيقٌ»

اِنْكَسَرَ : شکسته شد

(مضارع : يَنْكَسِرُ)

بَغْتَةً : ناگهان

جَامِعَةٌ : دانشگاه

حَرْبٌ : جنگ «حَرْبِيَّةٌ : جنگی»

دُخَانٌ : دود

رَجَاءٌ : امید

رياح : باده‌ها «مفرد : رِيحٌ»

شَبَابٌ : جوانان «مفرد : شَابٌ»

دورهٔ جوانی

صَرَخَ : فریاد زد (مضارع : يَصْرُخُ)

الصَّيْنُ : چین

ظَهَرَ : آشکار شد (مضارع : يَظْهَرُ)

عَصَفَ : وزید

(مضارع : يَعْصِفُ)

فَرَجَ : گشایش، رهایی از سختی

فَقَدَ : از دست داد

(مضارع : يَفْقِدُ)

مُحَاوَلَةٌ : تلاش کردن

مَضَى : گذشت

(مضارع : يَمْضِي)

مَطَرٌ : باران «جمع : أَمْطَارٌ»

مُواصَلَةٌ : ادامه دادن

مِيَاهُ : آب‌ها «مفرد : مَاءٌ»

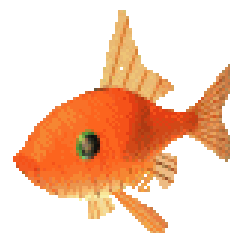
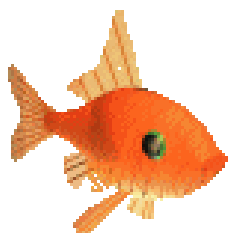
نَبَاتَاتٌ : گیاهان «مفرد : نَبَاتٌ»

نَزَلَ : پایین آمد (مضارع : يَنْزِلُ)

وَقَعَ : اتفاق افتاد، افتاد

وَلَوْ : اگرچه (وَلَوْ بِالصَّيْنِ :

اگرچه در چین باشد).



❁ الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ ❁

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فِي بِلَادٍ؛ ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِباً مِنْ طُلَّابِ
الْجَامِعَةِ مَعَ أَسَاتِذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِتَهْيِئَةِ
أَبْحَاثٍ عَنِ الْأَسْمَاكِ؛ كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِئَةً؛ فَجَاءَتْ
ظَهَرَ سَحَابٌ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ رِياحٌ شَدِيدَةٌ
وَ صَارَ الْبَحْرُ مَوْاجًا. فَأَصَابَتْ سَفِينَتَهُمْ صَخْرَةٌ؛



۴۰

❁ صبر کلید گشایش است ❁

این حکایت چهل سال پیش در کشوری اتفاق افتاده است، دوازده دانشجو از دانشجویان
دانشگاه همراه استادشان برای تهیه پژوهش‌هایی درباره ماهی‌ها به سفری علمی رفتند.
آب‌های دریا آرام بود، ناگهان ابری در آسمان آشکار شد پس باد شدیدی وزید و دریا موج
شد.

پس کشتی آنها به صخره‌ای برخورد کرد؛ پس ترسیدند؛ کشتی اندکی ترک برداشت اما
غرق نشد.

فَخَافُوا؛ السَّفِينَةُ **انْكَسَرَتْ** قَلِيلاً وَلَكِنَّهَا مَا غَرِقَتْ؛ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ،
فَرِحُوا كَثِيراً وَ شَكَرُوا رَبَّهُمْ وَ **نَزَلُوا** فِيهَا؛ **مَضَى** يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَدًا فِي الْجَزِيرَةِ
وَمَا جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأُسْتَاذُ:

«يَا **شَبَابُ**، عَلَيْكُمْ بِ**الْمُحَاوَلَةِ**. اِسْمَعُوا كَلَامِي وَ اَعْمَلُوا بِهِ كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ.
عَلَيْكُمْ بِ**مُواصَلَةِ** أبحاثِكُمْ.»

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ **أَفْرِقَةٍ** وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ:

«يَا طُلَّابُ، اِبْحَثُوا عَنْ صَيْدٍ وَ اجْمَعُوا الْحَطَبَ.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي: «يَا طَالِبَانِ، اجْلِبَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الضَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّلَاثِ: «يَا طَالِبَاتُ، أُطْبِخْنَ طَعَامًا.»

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَتَانِ، اِبْحَثَا عَنْ مَوَادِّ غِذَائِيَّةٍ.»

هنگامی که به یک جزیره ناشناخته رسیدند، بسیار خوشحال شدند و پروردگارشان را شکر کردند و در آنجا پیاده شدند.

دو روز گذشت و کسی را در جزیره پیدا نکردند و کسی برای نجاتشان نیامد، استادشان به آنها گفت: «ای جوانان، شما باید تلاش کنید. سخنم را گوش کنید و به آن عمل کنید؛ مثل این که چیزی نشده است، باید پژوهش هایتان را ادامه دهید.»

سپس آنها را به چهار گروه تقسیم کرد و به گروه اول گفت: «ای دانشجویان، دنبال صیدی بگردید و هیزم جمع کنید.»

و به گروه دوم گفت: «ای دو دانشجو(پسر) بعضی از چیزهای ضروری را از کشتی بیاورید.»

و به گروه سوم گفت: «ای دختران دانشجو، غذایی برایمان بپزید.»

و به گروه چهارم گفت: «شما دو دانشجوی دختر، دنبال مواد غذایی بگردید.»

ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: ﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ «مَضَى أُسْبُوعٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ
الْأَيَّامِ نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ وَ أَصَابَتْ صَاعِقُهُ سَفِينَتَهُمْ فَاحْتَرَقَتْ. قَالَ الطُّلَابُ: «لَا رَجَاءَ
لِنَجَاتِنَا.» فَقَرَأَ الْأُسْتَاذُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا﴾.

حَزِنَ الطُّلَابُ وَ قَالُوا: «فَقَدْنا سَفِينَتَنَا.»

وَ بَعْدَ آدَاءِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ بَغْتَةً:

«أَنْظُرُوا يَا زُمَلَائِي. أَنْظُرْنَ يَا زَمِيلَاتِي. تِلْكَ سَفِينَةُ حَرْبِيَّةٍ تَقْتَرِبُ مِنَّا.»

السَّفِينَةُ الْحَرْبِيَّةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ. فَرِحَ الطُّلَابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ:

«كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟»

أَجَابَ الْجُنُودُ: «رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ. فَأَتَيْنَا وَ شَاهَدْنَاكُمْ.»

سپس به همگی گفت: «صبر کنید، زیرا خدا با صبر کنندگان است». یک هفته گذشت. در روزی از روزها باران شدیدی بارید و رعد و برق به کشتی آنها برخورد کرد و کشتی سوخت. دانشجویان گفتند: «هیچ امیدی به نجات ما نیست.» پس استاد این آیه را خواند: «ای کسانی که ایمان آوردید صبر پیشه کنید.»

دانشجویان ناراحت شدند و گفتند: «کشتیمان را از دست دادیم.» و بعد از به جا آوردن نماز و دعا یکی از آنها ناگهان فریاد زد:

«ای همکلاسی‌های من (پسر) نگاه کنید. ای هم کلاسی‌ها من (دختر) نگاه کنید. آن کشتی جنگی به ما نزدیک می‌شود»

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازان از آن پیاده شدند. دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند:

«چگونه جای ما را پیدا کردید؟»

سربازان جواب دادند: «دودی را از دور دیدیم. پس آمدیم و شما را مشاهده کردیم.»

با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

نادرست درست



۱. ذَهَبَ الطُّلَابُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لِتَهْيِئَةِ أبحاثٍ عَنِ النَّبَاتِ.

دانشجویان برای تهیه پژوهش درباره گیاهان به این سفر رفتند.



۲. ما وَجَدَ الطُّلَابُ إِنْسَانًا غَيْرَهُمْ فِي الْجَزِيرَةِ.

دانشجویان انسانی غیر از خودشان در جزیره نیافتند.



۳. عَشْرَةُ طُلَّابٍ كَانُوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

ده دانشجو در سفر علمی بودند.



۴. كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِئَةً فِي الْبِدَايَةِ.

در ابتدا آب دریا آرام بود.



۵. وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَتَيْنِ.

این حکایت دو سال قبل اتفاق افتاد.



فِعْلُ الْأَمْرِ (۲) (يا أولادُ، افعلوا)، (يا بناتُ، افعلنَ)

(يا ولدانِ، افعلَا)، (يا بنتانِ، افعلَا)



رَجَاءُ، اجْلِسْنَ هُنَاكَ.

لطفاً اینجا بنشینید.



رَجَاءُ، انْزِلُوا مِنَ الْحَافِلَةِ.

لطفاً از اتوبوس پایین بیایید.



إِبْحَثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

جواب را در کتاب جستجو کنید.



إِبْحَثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

جواب را در کتاب جستجو کنید.

بدانیم

در این درس با فعل امر آشنا می‌شوید. به فرق میان فعل مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را بیاموزید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا
	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ
	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا
	انجام می‌دهید.	انجام بدهید.

فرق «فعل مضارع» و «فعل امر» را بیابید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَرْحَمُونَ: رحم می‌کنید	ارْحَمُوا: رحم کنید	تَضَعْدَنَ: بالا می‌آیید	اِضْعَدْنَ: بالا بیایید
تَنْزِلَانِ: پایین می‌آیید	انْزِلَا: پایین بیایید	تَقْبَلَانِ: می‌پذیرید	اقْبَلَا: بپذیرید
تَشْكُرُونَ: تشکر می‌کنید	اشْكُرُوا: تشکر کنید	تَرْسُمَنَّ: نقاشی می‌کنید	ارْسُمَنَّ: نقاشی کنید



ترجمه کنید. 

عکس شهید را رسم کن	أرسمي صورة الشهيد.	سخن حق را بپذیر	اقْبَلِ الْكَلَامَ الْحَقَّ.
برای خداوند، پروردگار جهانیان سجده کنید.	أُسجداً لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.	دستانتان را قبل از عدا بشوید	اغْسِلَا أَيْدِيكُمَا قَبْلَ الْعَدَاءِ.
از هم نشینان بد دوری کنید	أَهْرَبْنَ مِنْ جَلِيسَاتِ السَّوِّءِ.	نعمت خدا را بر خود یاد کنید.	﴿أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾



التحارين



التَّامِرِينَ الْأَوَّلَ

● توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱. بلادٌ كَبِيرَةٌ جَدًّا فِي شَرْقِ آسِيَا.

کشور بسیار بزرگ در شرق آسیا

الصَّيْنِ

چین

۲. إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالِاسْتِمْرَارُ عَلَيْهِ.

ادامه کار و استمرار آن

مُواصله

ادامه دادن

۳. شَيْءٌ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ، نَشْرَبُهُ وَلَا لَوْنَ لَهُ.

برای زندگی ضروری است و هیچ رنگی ندارد.

آب

جامعه

۴. يُدَرِّسُ فِيهَا الْأُسْتَاذُ وَيَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَّابُ.

استاد در آنجا درس می‌دهد و دانشجویان از آن فارغ التحصیل می‌شوند.

دانشگاه

۵. الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَ لَيْسُوا أَطْفَالًا.

کسانی که به سن بلوغ رسیدند و بچه نیستند.

شباب

جوانان

۶. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الزُّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ.

مجموعه‌ای از ورزشکاران یا مجموعه‌ای از هم‌کلاسی‌ها در کار.

فريق

تیم

التَّمرينُ الثاني

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا صَدِيقَاتِي، رَجَاءٌ أُخْرِجُنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

ای دوستانم، لطفاً از کتابخانه خارج شوید.



يا أَصْدِقَائِي، رَجَاءٌ، أُخْرِجُوا مِنَ الصَّفِّ.

ای دوستانم، لطفاً از کلاس خارج شوید.



يا صَدِيقَتَانِ، اُكْتُبَا جَوَابَ السُّؤَالَيْنِ.

ای دوستان جواب این دو سوال را بنویسید.



يا صَدِيقَانِ، اِحْمِلَا هَذِهِ الْمِنْصَدَةَ.

ای دوستان، این میز را ببرید.

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعلهای امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ القصص ۱۶

پروردگارا قطعاً من به خودم ستم کردم پس مرا ببخش.

۲. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى وَهَارُونَ ﴿إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ﴾ طه ۴۳

خدا به موسی و هارون گفت: به سوی فرعون بروید.

۳. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ۱۱۸

پروردگارا ببخش و رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی.

۴. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا﴾ البقرة ۳۴

و آن گاه که فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید پس سجده کردند.

۵. ﴿... اِعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ المؤمنون ۵۱

عمل صالح انجام دهید همانا من به آنچه انجام می دهید دانا هستم.

● جمله‌های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

جمله عربی	ترجمه فارسی	چرا ترجمه یکی است؟
يا طُلَّابُ، اُنْظُرُوا إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ. يا طَالِبَاتُ، اُنْظُرْنَ إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ.	ای دانشجویان به بارش باران نگاه کنید	زیرا در زبان فارسی فعل امر برای مذکر و مونث یکسان به کار می رود.
يا طَالِبَانِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً. يا طَالِبَتَانِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.	ای دو دانش آموز لباس های مناسب بپوشید	زیرا در زبان فارسی فعل امر برای مذکر و مونث یکسان به کار می رود.
يا طَالِبَانِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً. يا طَالِبَتَانِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.		

التَّامِرِينَ الْخَامِسُ

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- | | | | |
|---------------------|---|--|---|
| ١. قاطِعُ الرَّحِمِ | ○ | مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ. | ○ |
| جدا کننده فامیل | | محل تحصیلات عالی بعد از مدرسه | |
| ٢. الْمُوَاصَلَةُ | ○ | هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِمُزَارَعَةِ أَقْرَبَائِهِ. | ○ |
| ادامه دادن | | کسی که دیدرا نزدیکانش نمی رود | |
| ٣. الْجَامِعَةُ | ○ | الشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ. | ○ |
| دانشگاه | | چیزی که از آتشی بالا می رود. | |
| ٤. الْحَطَبُ | ○ | أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلِاحْتِرَاقِ. | ○ |
| هیزم | | چوب های مناسب برای آتش زدن | |
| ٥. الدُّخَانُ | ○ | حَلُّ الصَّعَابِ وَ الْمُشْكِلَاتِ. | ○ |
| رود | | حل سختی ها و مشکلات | |
| ٦. الْفَرْجُ | ○ | | |
| گشایش | | | |

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لَا عَمَلَ كَالْتَّحْقِيقِ.

هیچ کاری مانند تحقیق نیست.

۲. أَلْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَالْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ.

دانش ریشه هر خوبی و نادانی ریشه هر بدی است.

۳. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

دانش را جستجو کنید گرچه در چین باشد؛ زیرا جستن دانش واجب است.

۴. خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ^۱.

خیر دنیا و آخرت همراه دانش و بدی دنیا و آخرت همراه نادانی است.

۵. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ^۲.

دانا کسی نیست که خوبی را از بدی تشخیص دهد بلکه دانا کسی است که بهترین را از میان دو بد بشناسد.

تحقیق

● با استفاده از نرم افزار قرآن سه آیه را که حروف اصلی فعل‌های آنها «س م ع»، «خ ر ج» و «ذ ه ب» است بیابید.

سوره بقره = آیات ۷۵ - ۱۷ - ۲۳